پاسخ عملی امام به سال‌های استعمار



دکتر علی‌اکبر ولایتی مشاور رهبر انقلاب در امور بین‌الملل

دکتر علی اکبر ولایتی در یادداشتی اختصاصی برای روزنامه جام جم به مناسبت سالگرد رحلت امام خمینی(ره) خاطره‌ای از ایشان نقل کرده است:

روزی که ادوارد شواردنادزه وزیر امور خارجه شوروی سابق برای دادن پاسخ نامه امام(ره) از طرف گورباچف به دیدار ایشان آمد، با او به جماران رفتیم. اتاق بسیار ساده محل ملاقات حضرت امام برای شواردنادزه تعجب‌آور بود. کمی منتظر شدیم. حاج عیسی چای آورد و صرف شد. بعد از حدود ۲۰ دقیقه حاج احمدآقا آمد و گفت که امام دارد وارد می‌شود. همه ایستاده بودیم. حضرت امام با ظاهری ساده و لباس روحانی وارد شد و من تعجب را در چشمان وزیر امور خارجه شوروی می‌دیدم. او در خاطراتش می‌نویسد: «ما درست ربع ساعت در یک اتاق ساده و معمولی منتظر آمدن آیت‌الله شدیم. برای من تعجب‌آور بود، چرا که من از طرف گورباچف و شوروی آمده بودم از طرف گرجستان که نیامده بودم. جلسه هم کاملا ساکت بود. تا این‌که دیدم یک شخصیت بسیار ساده روحانی ولاغراندام با یک کلاهی که بر سر داشتند وارد جلسه ما شدند و من را به ایشان معرفی کردند.»

در آن زمان به خاطر کسالت امام، پزشکان گفته بودند ایشان ربع ساعت بیشتر نباید صحبت کنند یا دیدار داشته باشند. من به شواردنادزه یادآوری کردم که شما باید طی ربع ساعت یا حداکثر ۲۰ دقیقه تمام محتوای نامه گورباچف را برای امام نقل کنید. وی شروع کرد به بیان محتوای نامه و دیدم که امام چند مرتبه در برخی نقاط سر تکان دادند و بعد فرمودند این نامه پاسخ نامه من نبود! من هدف اصلی‌ام این بود که آقای گورباچف را ببرم به یک دنیای جدید و با یک عالم دیگر آشنا کنم و این جواب من نبود و خلاصه با یک حالتی ایشان از این جلسه بلند شدند و جلسه تمام شد. احساس من این بود که چیزی نمانده شواردنادزه از پا بیفتد! اینها اصلا به چنین مدل دیدارهایی عادت نداشتند.

البته چون من احساس کرده بودم که وزیر خارجه شوروی ناراحت شده، در هتلش با وی تماس گرفتم و گفتم: امام از آن صحبت‌های شما ناراضی نبودند فقط از این‌که از رئیس‌جمهور شما جواب مناسبی دریافت نکرده بودند متاسف شدند. ولی این ملاقات به صورت خوبی در روزنامه‌ها و در تلویزیون بازتاب داده شده و شما می‌توانید اینها را ملاحظه کنید. همین الان می‌توانید تلویزیون را ببینید. ظاهرا بازتاب مثبت دیدار را دیده بود و یکی دو روز ماند و دیدارهای بعدی را با مسئولان ایران انجام داد و پس از این ملاقات به عراق رفت و در بصره با صدام ملاقات کرد.

او در بخش دیگری از خاطره‌اش در این‌باره نوشته است: «صدام بسیار تشریفات فراوانی برای من ترتیب داده بود که احترام فراوانی به من بگذارد و نشان بدهد که ما چقدر اهمیت قائلیم. من آنجا از این حالت استکباری او بدم آمد. آن روحیه استکباری را در صدام دیدم و دیدم یک آدم بسیار لجوجی است. با دیدن تظاهر صدام متوجه شدم برخلاف انتظارم که تصور می‌کردم که ایرانی‌ها می‌خواهند من را در جماران به سبک پادشاهان ایرانی تحقیر کنند، این‌گونه نبود و آن روحیه اصلا در آیت‌الله نیست. برداشت من از امام خمینی این است که ایشان یک ابرمرد و شخصیت بزرگی بود.»

ولایتی ادامه می‌دهد: «معلوم بود که از آن زندگی زاهدانه و عارفانه امام خوشش آمده و در او اثر گذاشته بود. اما درنهایت تحلیل من این بود که هدف امام از این کار پیش‌بینی فروپاشی شوروی به‌صورت عملی بود و می‌خواست پاسخی به بیش از یک قرن زورگویی و استعمار و مشقت‌های تحمیل شده به ایران از سوی روس تزاری و شوروی را با قدرت بدهد، زیرا حضرت امام این‌گونه نبودند که از روی ناراحتی یا عصبانیت حرکتی هیجانی و لحظه‌ای انجام بدهند. تمام سکنات ایشان حساب و کتاب داشت. نام این ابرمرد تاریخ و پیر و مراد ما و همه شهدای انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس تا ابد بر تارک تاریخ خواهد درخشید. اینجانب ضمن تسلیت سالروز رحلت این روح الهی به سوی معبود به همه ایرانیان و مسلمانان و آزادیخواهان جهان و آرزوی طول عمر برای رهبر معظم انقلاب اسلامی، امیدوارم مسیر پرعزت مردم ایران همچنان به سمت استقلال از شرق و غرب و پیشرفت و اقتدار و در تعامل با دنیا ادامه یابد.»

پرونده تحلیلی «جام جم» از تاثیر جهانی

مقاومت به افق

رسول قبادی
گروه سیاسی

اندیشه مقاومت، به‌عنوان یک پارادایم فکری و عملی در مبارزه با ظلم، استبداد و هژمونی استکباری، ریشه در تفکر انقلابی و دینی حضرت امام‌خمینی(ره) دارد. ایشان با رهبری انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، چارچوبی نوین برای ایستادگی در برابر نظام‌های سلطه‌گر و استعماری ارائه کردند که نه‌تنها ایران و جهان اسلام، بلکه جنبش‌های آزادیبخش در سراسر جهان را تحت تأثیر قرار داد. در دهه‌های میانی قرن بیستم، جهان درگیر سلطه استعماری، استثمار ملت‌های مستضعف و تلاش قدرت‌های بزرگ برای تحمیل هژمونی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بود. در

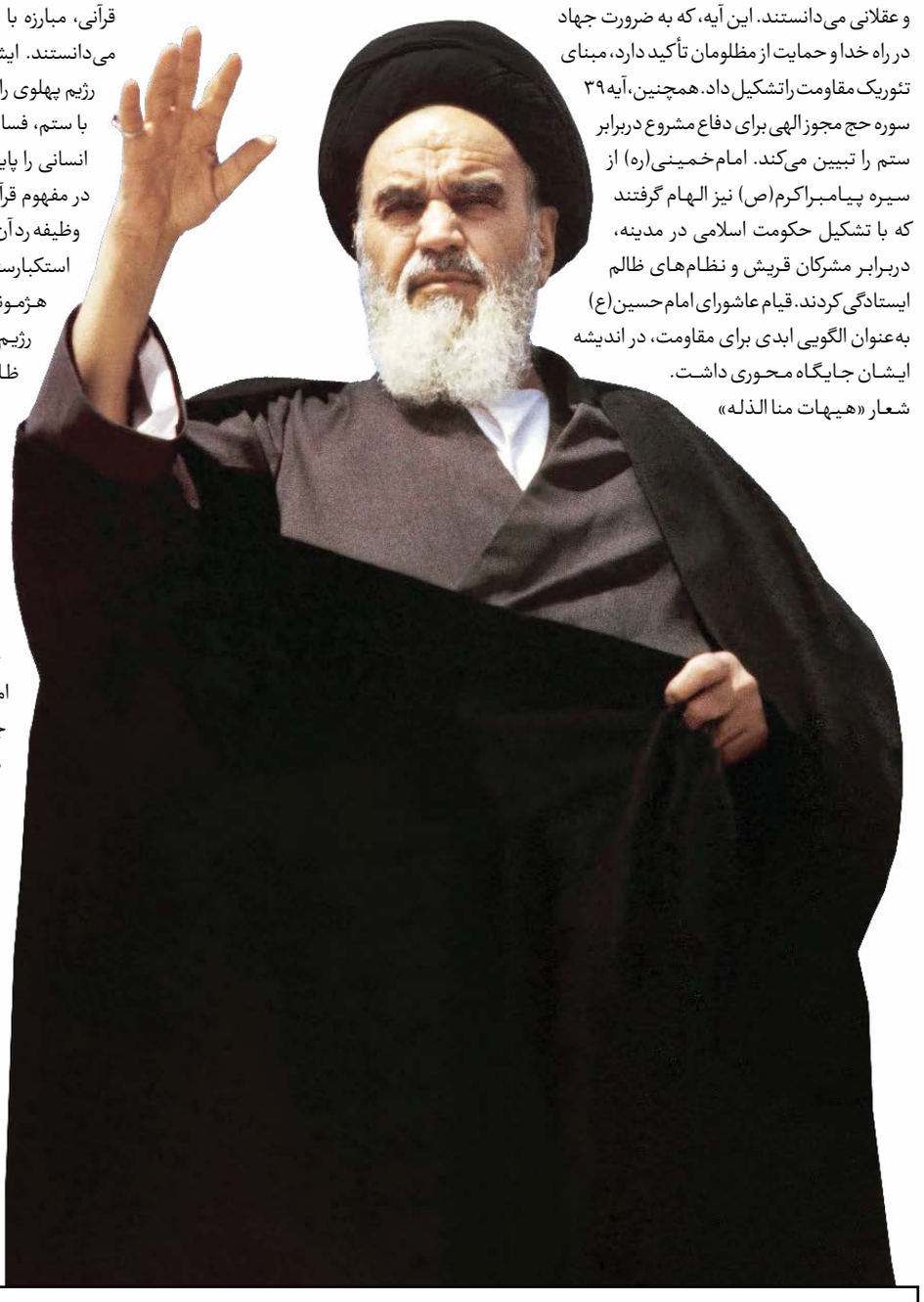

اندیشه مقاومت امام‌خمینی(ره) ریشه در تعالیم قرآنی و اصول اسلامی دارد. امام راحل با استناد به آیات متعدد قرآن، ازجمله آیه ۷۵ سوره نساء دفاع از مستضعفان و مبارزه با ظالمان را وظیفه‌ای الهی و عقلانی می‌دانستند. این آیه، که به ضرورت جهاد در راه خدا و حمایت از مظلومان تأکید دارد، مبنای تئوریک مقاومت را تشکیل داد. همچنین، آیه ۳۹ سوره حج مجوز الهی برای دفاع مشروع دربرابر ستم را تبیین می‌کند. امام‌خمینی(ره) از سیره پیامبراکرم(ص) نیز الهام گرفتند که با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، دربرابر مشرکان قریش و نظام‌های ظالم ایستادگی کردند. قیام عاشورای امام‌حسین(ع) به‌عنوان الگویی ابدی برای مقاومت، در اندیشه ایشان جایگاه محوری داشت. شعار «هیهات منا الذله» امام‌حسین(ع)، که ریشه در رد هرگونه ذلت و سلطه دارد، به هسته مرکزی اندیشه مقاومتی امام تبدیل شد. این اصول، روحیه‌ای جهادی و انقلابی را در میان امت اسلامی احیا کرد و مقاومت را به یک تکلیف دینی و انسانی ارتقا داد.

اندیشه مقاومت امام‌خمینی(ره) بر چندین مفهوم محوری و نظام‌مند استوار است: ظلم‌ستیزی: امام‌خمینی(ره) با استناد به اصول فقهی و قرآنی، مبارزه با طاغوت را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌دانستند. ایشان نظام‌های استبدادی، مانند رژیم پهلوی را مصداق طاغوت معرفی کردند که با ستم، فساد و وابستگی به بیگانگان، کرامت انسانی را پایمال می‌کردند. این نگاه، ریشه در مفهوم قرآنی طاغوت (آیه ۶۰ سوره نساء) و وظیفه رد آن داشت.

استکبارستیزی: امام‌خمینی(ره) قدرت‌های هژمونیک، به‌ویژه ایالات‌متحده و رژیم‌صهیونیستی را ریشه اصلی ظلم جهانی می‌دانستند. ایشان با نام‌گذاری آمریکا به «شیطان بزرگ»، ساختار امپریالیستی و سیاست‌های استثماری آن را افشا کردند. این دیدگاه، مقاومت را از سطح ملی به سطحی بین‌المللی ارتقا داد و گفتمانی ضداستکباری را در جهان ترویج کرد. روحیه جهادی: امام‌خمینی(ره) با تکیه بر مفهوم جهاد در اسلام، فرهنگ ایثار و شهادت را احیا کردند. ایشان شهادت را نه‌تنها راهی برای حفظ عزت و استقلال، بلکه پلی به سوی حیات ابدی و قرب الهی می‌دانستند. این نگاه، براساس آیاتی مانند آیه ۱۶۹ سوره آل‌عمران شکل گرفت و مردم را به فداکاری در راه حق تشویق کرد. احیای هویت دینی: در دورانی که تهاجم فرهنگی غرب، هویت دینی و ملی جوامع اسلامی را تضعیف کرده بود، امام‌خمینی(ره) با تأکید بر اسلام ناب محمدی، خودباوری را به مسلمانان بازگرداندند. ایشان اسلام را به‌عنوان یک نظام جامع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی معرفی کردند که قادر است دربرابر سلطه غرب ایستادگی کند. این رویکرد، هویت امت اسلامی را احیا و آنان را به مقاومت فعال فراخواند. عدالت‌خواهی: امام‌خمینی(ره) عدالت را رکن اصلی حکومت اسلامی می‌دانستند. ایشان با نقد نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی، الگویی بی‌بدیل ارائه کردند که بر توزیع عادلانه ثروت، رفع فقر و حمایت از مستضعفان استوار بود.

نگاه عرفانی و فلسفی به اندیشه امام

اندیشه مقاومت امام‌خمینی(ره) از منظر عرفانی و فلسفی نیز غنی بود. ایشان که سال‌ها به مطالعه و تدریس عرفان نظری و عملی پرداخته بودند، از آرای عرفایی مانند ابن‌عربی و مولانا تأثیر پذیرفتند. در نگاه عرفانی امام، انسان از طریق خودسازی، تهذیب نفس و تقرب به خدا، به مقامی می‌رسد که قادر است دربرابر ظلم و ستم ایستادگی کند. از منظر فلسفی، ایشان با تکیه بر حکمت متعالیه ملاصدرا، انسان را موجودی مختار، مسئول و تحول‌آفرین می‌دانستند که می‌تواند با اراده و عمل، سرنوشت خود و جامعه را تغییر دهد. این نگاه، ریشه در مفهوم حرکت جوهری ملاصدرا داشت که انسان را در مسیر تکامل و تعالی می‌بیند. تلفیق عقلانیت فلسفی، تعالیم قرآنی و اصول عرفانی، چارچوبی منسجم برای اندیشه سیاسی و مقاومتی امام فراهم آورد. این ترکیب، به ایشان امکان داد تا گفتمانی جامع و چندبعدی ارائه کنند که هم ریشه در متون دینی داشت و هم با نیازهای سیاسی و اجتماعی عصر مدرن سازگار بود.

انقلاب اسلامی؛ نقطه عطف جهانی

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام‌خمینی(ره) نقطه عطفی در تاریخ معاصر جهان بود. این انقلاب، رژیم پهلوی را که به‌عنوان یک نظام استبدادی، فاسد و وابسته به غرب شناخته می‌شد، سرنگون کرد. در بستری که جهان به دو بلوک شرق (کمونیسم) و غرب (کاپیتالیسم) تقسیم شده بود، امام‌خمینی(ره) با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، الگویی بی‌بدیل برای استقلال و خودکفایی ارائه کردند. این انقلاب، با تکیه بر اصول دینی، مشارکت مردمی و رهبری کاریزماتیک امام، نشان داد که یک ملت می‌تواند با اراده جمعی و ایمان، در برابر قدرت‌های هژمونیک ایستادگی کند. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، انقلاب اسلامی یک جنبش ضداستعماری و ضداستبدادی بود که ساختارهای قدرت سنتی را به چالش کشید و الگویی برای جنبش‌های آزادیبخش در جهان ارائه کرد. این رویداد، نه‌تنها در ایران، بلکه در کشورهای

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی رحمانی در گفت‌وگو با «جام جم» از ویژگی‌های بنیان‌گذار انقلاب اسلامی می‌گوید

وحید عصر و فرید دهر

مریم شریف‌زاده
گروه سیاسی

امام خمینی (ره) بی‌شک تاثیرگذارترین شخصیتی است که تاریخ چند دهه اخیر جهان به خود دیده و نقش ایشان در هدایت انقلاب اسلامی ایران، تشکیل حکومت اسلامی و علاقه و دلبستگی مردم ایران به ایشان همواره موجب شگفتی جهانیان بوده است. در ارتباط با ویژگی‌های شخصیتی امام خمینی، دلایل تبدیل ایشان به رهبری تاثیرگذار در تاریخ معاصر و همچنین دوران زعامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و نقش ایشان در عبور از چالش‌ها و بحران‌های متعددی که در طول سال‌های اخیر جمهوری اسلامی با آن مواجه بوده، گفت‌وگویی را با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی رحمانی از شاگردان امام انجام دادیم. وی در دوران پهلوی تحت تعقیب ساواک قرار داشت و به نجف اشرف رفت؛ رحمانی پس از پیروزی انقلاب از اعضای دفتر امام(ره) بوده و در دوران دفاع مقدس فرماندهی بسیج مستضعفین را به‌عهده داشت. وی همچنین مسئول ستاد جذب و هدایت کمک‌های مردمی به جبهه‌ها بود و پس از پایان جنگ هشت‌ساله در سال ۱۳۷۰ با تشکیل نیروی انتظامی به عنوان نماینده ولی فقیه و ریاست سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی منصوب شد و تا سال ۱۳۸۶ این مسئولیت را به‌عهده داشت. همچنین سابقه آشنایی وی با رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به پیش از انقلاب و سال‌های طلبگی در مشهد برمی‌گردد.

حضرت عالی از شاگردان و همراهان امام خمینی(ره) در نجف و سپس در ایران بودید. بفرمایید مبدأ آشنایی شما با امام خمینی(ره) از چه تاریخی بود و ورود شما به نهضت اسلامی از چه زمانی شکل گرفت؟

لازم است قبل از پاسخ به این سؤال توضیحاتی ارائه بدهم، پدرم در عرصه کسب و کار فعالیت داشت و از مردان متدین به شمار می‌رفت. ضمن این‌که در شهرستان ما، که افراد متعددی مانند ایشان بودند؛ تربیت‌یافتگان محضر آیت‌الله نجفی قوچانی که هم سیاستمدار مهمی بود و هم یکی از شاگردان مهم آخوند خراسانی در نهضت مشروطه. ایشان مولف بزرگی بود که همه ارباب قلم و فرهنگ، دیدگاه‌های مهم ایشان در رابطه با حکومت‌های مختلف را می‌شناختند.

آشنایی ایشان با آیت‌الله مدرس و نهضت مشروطه باعث شده بود سبک و روش ایشان به صورتی باشد که منویات دین‌ستیزی خاندان پهلوی را به دیگران نشان می‌داد. بنابراین، در آن دوران، امثال پدرم، بسیاری افراد بودند که علی‌رغم فشارهای بسیار تسلیم نمی‌شدند. یکی از علاقه‌مندی‌های ایشان این بود که روحانی شوم و اصرار داشت که تحصیلات حوزوی‌ام را در کنار تحصیلات دیگر ادامه دهم. به همین دلیل، مرا با تعداد دیگری از روحانیونی که همسطح بودیم، به حوزه علمیه مشهد مقدس فرستاد. از اواخر سال‌های ۴۱ و ۴۲ در حوزه مشهد مقدس، با وجود سن کم، همراه با سایر نوجوانان، در جریان نهضت حضرت امام و فقهای گرامی مشهد قرار گرفتم. شخصیت‌های بزرگ حوزه و دیگر مبارزان در تلاش بودند که حوزه مشهد را کانون مبارزات قرار دهند. اساتید و مجموعه علما نیز همین مسیر را دنبال می‌کردند و در نتیجه، سبک مبارزاتی حضرت امام (ره) از ابتدا این بود که همه طبقات به ایشان گرایش بسیاری داشتند. ما نیز با همه وجود، همراه نهضت اسلامی شدیم که آن زمان شکل گرفت. هدف ما روشن بود، همه وارد این عرصه شدیم و هرکس به اندازه توان و درکش در مدرسه نواب و در شهرستان، آغازی برای شرکت در نهضت به رهبری امام (ره) و علمای عالی‌مقام بود. اصل این آغاز، حرکت فراگیری به همه سطوح کشور از مرکز حوزه علمیه قم تا حوزه‌های علمیه و حتی شهرها و روستاهای سراسر کشور بود. بسیاری از عمومیت و فراگیری نهضت غافل بودند. این فراگیری از طبقه عوام تا خواص، احزاب، دانشگاهیان، دانشجویان، علمای حوزه و عموم مردم را شامل می‌شد. بنابراین آشنایی ما با حضرت امام (ره) نیز از همان زمان بود اما خداوند زمینه را طوری فراهم کرد که فشارها پس از تبعید و زندانی شدن حضرت امام (ره) و انتقال ایشان به ترکیه، بیشتر شد و این فشارها برای حوزه‌ها، کسبه و همه اقشار جامعه مشکل‌ساز شد. به‌عنوان مثال، کسبه فعال شهرستان ما و طرفداران نهضت، اگر نمی‌خواستند آنها را زندانی کنند، به شهرستان‌ها تبعید می‌شدند و خانواده ما هم از جمله این تبعیدی‌ها بود. براساس نیت پدر و مادر و تداوم حضور روحانیت، زمانی که به مدرسه نواب حمله شد و لباس طلبه‌ها را پاره می‌کردند و جوان‌ها را اذیت می‌کردند، مردد بودم که بمانم یا بروم اما خدا خواست که از طریق یکی از دوستان پدرم، زود به نجف اشرف اعزام شوم تا تحصیلات و فعالیت‌های مبارزاتی را ادامه دهم. در نجف نیز متوجه شدم شاگردان امام و بزرگانی که در اصل نهضت مشارکت داشتند، آنجا هم این راه را ادامه می‌دهند. تلاش‌ها و پیگیری‌ها ادامه داشت و این باعث شد که ما هم در اینجا شرکت کنیم و توفیق تحصیل در حوزه علمیه نجف و ادامه فعالیت را داشته باشم.

به نظر حضرتعالی شاخص‌ترین ویژگی شخصیتی امام خمینی (ره) که ایشان را به رهبری تاثیرگذار در تاریخ معاصر ایران تبدیل کرد، چه بود؟

یکی از خصوصیات امام خمینی (ره) که توجه جامعه ایران و حوزه‌های بزرگ را به خود جلب کرد، این بود که از ابتدای ورودشان به عرصه سیاست، سوابق‌شان در میان علما، محققان و مدرسان زبانزد بود. همه می‌دانستند که این شخصیت بزرگ با دیگران متفاوت است.



امام خمینی(ره) در میان محققان و مدرسان حوزه چه جایگاهی داشت؟

امام خمینی (ره) در میان محققان و مدرسان فردی ممتاز و وحید عصر و فرید دهر زمانه خود بود؛ زیرا ایشان در حوزه علمیه قم بعد از آیت‌الله حائری، که خودش نیز از شاگردان ایشان بود، علاوه‌بر تدریس علوم عقلی و نقلی اشتغال به تالیف و تحریر داشته‌اند.

و لذا در تمام زمینه‌های علمی فقهی، اصولی، اخلاقی، فلسفی، قرآنی، عرفانی، ادبی، اجتماعی و سیاسی آثاری دارد. از نظر معرفتی هم در حوزه به عنوان یک معلم اخلاق بزرگ، در حد عالی مطرح بوده که فقهای بعد از امام(ره)، همگی از محضر ایشان استفاده کرده‌اند. لذا همین امتیاز زمینه را برای مرجعیت در جهان تشیع و جهان اسلام برای ایشان فراهم کرد. در عین حال اکنون بسیاری از اساتید بزرگ و مراجع عالیقدری که در حوزه علمیه قم بوده و هستند که در زمره شاگردان برجسته حضرت امام(ره) بوده‌اند و خود ایشان نیز که در زمره فقها و مراجع بودند، در حوزه علمیه قم درخشید و شاگردان بزرگی تربیت کرد. این علما در حوزه‌های علمیه پراکنده شدند؛ حتی در حوزه‌هایی مانند نجف هم شاهد حضور شاگردان برجسته ایشان بودیم. به هر حال امام(ره) یک فقیه بزرگ و آگاه به زمان بود. ایشان در پی این بود که باید شرایط و زمینه را برای پیاده‌کردن قوانین و احکام مترقی اسلام فراهم بیاورد و تلاش کند حوزه‌ها در مقابل ظلم و ستمی که در آن روزها، چه در دوران رضاخان و چه در دوران فرزندش وجود داشت، سکوت نکنند و در راه احقاق حقوق اسلامی در بستر جامعه و در میان مردمی که متدین به دین اسلام هستند، زمینه را برای اجرای احکام اسلامی در یک کشور اسلامی فراهم کنند.

امام(ره)، معتقد بود اسلام دینی است که با سیاست آمیخته است. ایشان معتقد بودند حکومت اسلامی به‌وسیله پیامبر به وجود آمد و بنابراین پدیده‌ای الهی است

براساس دیدگاه امام خمینی(ره)، پیوند دین و سیاست چه ضرورتی دارد و این پیوند چه نقشی در سعادت جامعه ایفا می‌کند؟

امام(ره)، معتقد بود اسلام دینی است که با سیاست آمیخته است. ایشان باور داشتند. حکومت اسلامی به‌وسیله پیامبر به وجود آمد و بنابراین پدیده‌ای الهی است که با اجرای آن، سعادت همه خلق در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌شود و قدرت آن را دارد که قلم سرخ بر ستمگران بکشد و انسان‌ها را به کمال مطلوب برساند. مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، حتی بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت‌های مادی و معنوی نقش دارد، غفلت نکرده و موانع و مشکلات بر سر راه تکامل در اجتماع و فرد را گوشزد کرده و به رفع آنها پرداخته است؛ این مطالب مهمی که ذکر کردم عین تعبیر امام(ره) است. لذا ایشان می‌فرمایند حالا که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد، آگاه و رشید ما همراه شده، باید آنچه به‌عنوان حکومت اسلامی مطرح است و احکام مترقی آن، در همه ابعادش پیاده شود. البته منظور این است که ایشان برای مبارزه، راه روشنی را آغاز کردند. حتما شنیده‌اید که امام(ره) در آن سال‌های پیش از سقوط رضاخان، یک «کشف‌الاسرار»ی دارند.

هدف امام از تألیف کتاب کشف‌الاسرار چه بود و این کتاب در پاسخ به چه جریانی نوشته شد؟

این کتاب در مقابل آن نوشته‌هایی بود که چه از درون حوزه‌ها و چه توسط روشنفکرانی که از بیرون علیه اسلام می‌نوشتند، منتشر می‌شد. امام(ره) در همان زمان تلاش کرد جواب آن کتاب «اسرار هزارساله» را با کتابی به نام کشف‌الاسرار بدهند که مباحث مهمی در دفاع از اسلام ناب محمدی در این کتاب آورده اند؛ از جمله این‌که اسلام و پیامبر اسلام حکومت اسلامی ایجاد کرده و در واقع اسلام، دین و دولت است و جدایی دین از سیاست ساخته و پرداخته استعمار است. در عصر غیبت کبرای حضرت ولیعصر امام‌زمان(عج)، از وظایف علما و فقهای آگاه و زعمای اسلام و شیعه، تشکیل حکومت حقه اسلامی البته با مشارکت مردم است که جمهوری اسلامی ایران نمونه‌ای از همان حکومت رسول‌الله و حکومت علوی سلام‌الله‌علیه است. سه مورد اهمیت بسیاری داشت؛ اول استبداد، دوم؛ تحجر و واپس‌گرایی که در درون وجود داشت و سوم استعماری که مخصوصا بعد از جنگ جهانی دوم و کودتای ۲۸ مرداد، آمریکا و دیگر کشورهای استعمارگر، تلاش کردند که ملت ما را وابسته‌تر کنند و به نحوی استقلال کشور را از بین ببرند.

نقش امام‌خمینی(ره) در خلق وحدت میان مردم و اقشار مختلف جامعه ایران در دوران نهضت اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ایشان مظهر تحکیم اسلام و عامل ایجاد بیداری ملت ایران و بیداری مسلمین بودند. این مسائل باعث شد که رژیم و استعمارگران وارد عمل شده و ایشان را تبعید کنند. ایشان فردی شاخص بود که هر کسی در کشور ما به شخصیت ایشان توجه می‌کرد و تحت تأثیر ایشان قرار می‌گرفت و به همراهی و تبعیت از ایشان می‌پرداخت. بنابراین، حرکتی که امام(ره) انجام دادند و تأثیری که در تاریخ معاصر ایران داشتند، زمینه را برای حضور در یک انقلاب گسترده فراهم کرد؛ انقلابی که در آن شاهد حضور همه جانبه اقشار مختلف مردم هستیم و همه در این جهت مشترک حرکت می‌کردند. این مسائل باعث شد که امام خمینی(ره) با این دیدگاه، موجب وحدت در میان مردم و اقشار جامعه در دوران شروع نهضت تا پیروزی نهضت شدند و نقش اساسی ایفا کردند.

شما به‌عنوان شاگرد برجسته امام(ره) و فردی که سال‌ها برای انقلاب تلاش کرده‌اید، نظرتان درباره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای و مهم‌ترین ویژگی‌های رهبری ایشان در دوران زعامت چیست؟ با توجه به این‌که طی سال‌های اخیر حوادث و رویدادهای مختلفی از جمله فتنه ۸۸ و تحریم‌ها رخ داده است، مدیریت و رهبری مقتدرانه ایشان چه نقشی برای عبور از این چالش‌ها داشت؟

البته ابتدا از منظر شناخت فردی بیان می‌کنم؛ زمانی که در مشهد بودم علاوه بر بزرگان و شخصیت‌های بزرگی همچون آیت‌الله‌العظمی میلانی جزو جریان نهضت و حرکت‌آفرینی امام(ره) بودند. در حوزه مشهد، زمانی که بنده آنجا بودم، چهره‌های برجسته‌ای از همان زمان یعنی سال ۴۲ ظهور کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که آن زمان در قم تشریف داشتند، یکی از پیام‌رسان‌های مهم امام و از شاگردان برجسته ایشان و سهیم در همان جریان‌های آغاز نهضت بودند. در مشهد نیز ایشان اثرگذار بودند. مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی و آیت‌الله هاشمی‌نژاد حوزه علمیه مشهد را با علما و بزرگان دیگری که با ایشان همراه بودند اداره می‌کردند و همکاری داشتند. این بزرگان درواقع، ستون‌های تقویت نهضت در استان خراسان بودند. بعدها که حضرت امام تبعید شد، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در طول این مبارزات، ضمن این‌که در خراسان یکی از ستون‌های تداوم‌بخش نهضت حضرت امام‌خمینی(ره) بودند، با روشنگری‌هایی که داشتند، بارها دستگیر و زندانی شدند.

متن کامل

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید.